

باز اندیشی در بیتی از مرزبان نامه

سعید واعظ

نویسندهٔ مرزبان نامه در اواخر باب اول، در داستان شگال خرسوار، اقامتگاه شگال را چنین توصیف می‌کند: «... منتزهی از عیش با فرح شیرین‌تر و صحرايي از قوس قزح رنگین‌تر چون دوحهٔ طوبی و حلهٔ حورا سبزوتر»^۱ آنگاه همچنانکه سبک نگارش کتابهایی از این دست است بیت زیر را در تأیید مطالب فوق می‌آورد:

تَأَزَّرَ فِيهِ النَّبْتُ حَتَّى تَحَايَلَتْ رُبَاهُ وَ حَتَّى مَا تُرَى الشَّاءُ نَوْمًا^۲

مرحوم علامه قزوینی رضوان الله تعالی علیه در توضیح این بیت به نقل از لسان العرب و تاج العروس در پاورقی چنین می‌آورد: «وَجَدْتُ أَرْضًا مَتَخَيْلَةً وَ مَتَخَايِلَةً إِذَا بَلَغَ نَبْتُهَا الْمَدَى وَ خَرَجَ زَهْرَاهَا.

قال الشاعر: تَأَزَّرَ فِيهِ النَّبْتُ حَتَّى تَحَايَلَتْ الْخُ (لسان العرب)، و في تاج العروس

۱- مرزبان نامه، تحریر سعدالدین وراوینی، تصحیح و تحشیه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، طبع لیدن ص ۳۰.

۲- همان مأخذ.

تخایلت^۱

استاد ارجمند جناب آقای دکتر احمد مهدوی دامغانی - حفظه الله تعالی و متعنا بطول بقائه - در سلسله مقالاتی که در مجله یغما تحت عنوان «مأخذ ابیات مرزبان نامه» به چاپ رسانده در بیت ما نحن فیه نیز مثل سایر بیتها از آنجائی که نام سراینده شعر را پیدا نکرده به توضیح مختصر زیر بدون ترجمه کامل بیت بسنده نموده است: «این بیت را فقط در لسان العرب ماده (خ - ی - ل) بدون نسبت یافتیم و ظاهراً شرحی را هم که مرحوم علامه قزوینی (قده) در پاورقی نقل فرموده عیناً از لسان منقول می باشد»^۲.

استاد فرزانه جناب آقای دکتر خلیل خطیب رهبر - حفظه الله تعالی - در معنی این بیت می نویسد:

«گیاه در آن جایگاه جامه سبز پوشید و بسیار رشد کرد تا بر بلندیها بر آمد و گوسفندان را در آنجا خفته نمی بینی (یعنی گوسفند از فراوانی علف از چرا باز نمی ایستد)»^۳.

دوست ارجمند جناب آقای محمد روشن در چاپ دوم مرزبان نامه خود این بیت را چنین ترجمه کرده است: «گیاهان در آن [دشت] آزار پوشیده اند چنانکه آن تپه ها به خود می بالد و گوسفندان خفته اش را نمی بینیم»^۴.

مفردات راغب نویسد: تأزر النبات أي طال و قوی.^۵ ابن منظور صاحب لسان العرب ذیل ماده ازر نویسد: «قوی بعضه بعضاً فالتف و تلاحق و اشتد.» و بیت ما نحن فیه را شاهد می آورد. و بالاخره در منتهی الأرب نویسد: دراز شد و قوی گردید گیاه. تخایلت که فعل ماضی از باب تفاعل است یکی از معانی آن تیختر و کبر فروختن است. در این بیت فاعل آن «رُبا» است که مفرد آن «ربوة» و به معنی تپه است.

۱- همان مأخذ. ۲- مجله یغما سال هیجدهم ص ۴۰۲.

۳- مرزبان نامه، به کوشش خلیل خطیب رهبر، انتشارات صفی علیشاه، چاپ دوم ۱۳۶۹ ص ۸۵.

۴- مرزبان نامه، تحریر سعد الدین و راوینی، با مقابله و تصحیح و تحشیه محمد روشن، چاپ دوم، نشر نو، تهران، ۱۳۶۷ ج ۲ صص ۸۱۱، ۸۱۲.

۵- المفردات فی غریب القرآن، الراغب الاصفهانی ماده ازر.

واو در اینجا زاید و برای تأکید آمده است همانند فرموده تبارک و تعالی: «و ما اهلکننا من قرية الا و لها کتاب معلوم»^۱ و یا بیت زیر:

إذا ما استور البيت أرخین لم یکن سراج لنا الا و وجهک أنور^۲

شاء مفرد آن شاة است به معنی گوسفند و گاو وحشی و... اصل این کلمه شاهة بود چون مصغر آن به صورت شویهة و جمع آن به صورت شیاه می‌آید و هاء جهت تخفیف از آن حذف شده است. شاهة در اصل شوهة بود که واو به الف تبدیل و شاهة شده است. این کلمه در جمع از سه تا ده معمولاً به صورت شیاه و اگر از ده تجاوز کند به صورت شاة بیان می‌شود مانند احدی عشرة شاة. اما اگر به کثرت دلالت کند به صورت شاء به کار می‌رود مانند: هذه شاء کثیرة^۳.

توّم جمع نائم است اسم فاعل از ریشه «نام» که یکی از معانی آن خوابیدن و معنی دیگر آن دراز کشیدن است. در حدیثی از عمران بن حصین می‌خوانیم: «صل قائماً، فإن لم تستطع فقاعداً، فإن لم تستطع فنائماً، أراد به الاضطجاع، و يدلّ عليه الحديث الآخر: فإن لم تستطع فعلی جنب»^۴ یعنی سرپا نماز بگزار، اگر نتوانستی نشسته، و اگر بر آن قادر نبودی دراز کشیده یا به پهلو.

از معانی دیگر «نام» مردن است وقتی گوسفندی یا هر حیوانی بمیرد گویند: «نامت الشاة و غيرها من الحيوان إذا مات»^۵ امیر المؤمنین علی علیه السلام وقتی مردم را به جنگ با خوارج بر می‌انگیخت گوید: «إذا رأيتموهم فأينمواهم أي اقتلوههم»^۶، یا در حدیث غزوة الفتح می‌خوانیم: «فما أشرف لهم يومئذ أحد الا أنا موه أي قتلوه»^۷.

بنابراین با توجه به آنچه بیان شد معنی بیت چنین خواهد بود:

۱- سوره حجر آیه ۴.
 ۲- الاعراب الكامل للأدوات النحویة، عبدالقادر احمد عبدالقادر، دارقنیه، الطبعة الاولى، ۱۴۰۸ هـ ۱۹۸۸ م ص ۴۳۸.
 ۳- لسان العرب و منتهی الأرب ماده شوه.
 ۴- النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ابن الاثیر، تحقیق طاهر احمد الزاوی، محمود محمد الطناحی، موسسة الأمین.
 ۵- لسان العرب ماده «نام».
 ۶- همان مأخذ.
 ۷- همان مأخذ.

«گیاه در آن جایگاه آن اندازه رشد کرد و بلند شد که بلندیهای آنجا بر دیگر بلندیها می‌بالیدند و از بلندی گیاهها، گوسفندان در حالت خوابیده و افتاده دیده نمی‌شدند».

منابع و ماخذ

- ١- الاعراب الكامل للأدوات النحوية، جمع و ترتيب و تنسيق و تبويب عبدالقادر احمد عبدالقادر، دارقتيبه، الطبعة الاولى، ١٤٠٨ هـ ١٩٨٨ م.
- ٢- تاج العروس، من جواهر القاموس، تحقيق الدكتور عبدالفتاح الحلو، ١٤٠٦ هـ، ١٩٨٦ م
- ٣- لسان العرب، ابن منظور، دارصادر، داربيروت، ١٣٨٨ هـ ١٩٦٨ م.
- ٤- مجله يغما سال هيجدهم.
- ٥- مرزبان نامه، به كوشش خليل خطيب رهبر، انتشارات صفى عليشاه، چاپ دوّم، ١٣٦٩، تهران.
- ٦- مرزبان نامه، تحرير سعدالدين وراوينى، تصحيح و تحشيه محمدبن عبدالوهاب قزوينى، طبع ليدن.
- ٧- مرزبان نامه، تحرير سعدالدين وراوينى، با مقابله و تصحيح و تحشيه محمد روشن، چاپ دوّم، نشر نو، ١٣٦٧.
- ٨- المفردات في غرايب القرآن، الراغب الاصفهاني، دارالمعرفة، بيروت، لبنان، تحقيق محمد سيد كيلاني.
- ٩- منتهى الأرب في لالغة العرب، عبدالرحيم بن عبدالكريم صفى پور، چاپ اسلاميه افست، تهران، جمادى الثانى ١٣٧٧ هـ.
- ١٠- النهاية في غريب الحديث و الأثر، ابن الاثير، تحقيق طاهر احمد الزاوى، محمود محمد الطناحى، مؤسسة الأمين.